

دانشگاه است نه پادگان!



احمد زیدآبادی

نویسنده و مشاور هم‌میهن

دیروز در دانشگاه پلی‌تکنیک تهران با علی خضریان، نمایندهٔ مجلس از جناح اصولگرا بر سر «مشارکت در انتخابات» مناظره داشتم. قرار بود روزنامهٔ هم‌میهن این مناظره را پوشش دهد اما خبرنگار آن را به داخل دانشگاه راه ندادند. نه‌فقط خبرنگاران از ورود به دانشگاه منع شدند بلکه ظاهر آ دانشجویمان دانشگاه‌های دیگر هم امکان ورود به‌پلی‌تکنیک را نداشتند.

تشریفات امنیتی ورود به دانشگاه واقعا کمتر از پادگان نبود. با آنکه به من گفته شده بود، برای ورود به دانشگاه هماهنگی صورت گرفته است، با این حال، چند دقیقه‌معتل استعلام نگهبانان از اینجا و آنجا شدم. در داخل دانشگاه نیز اثری از شور و هیجان اواخر دههٔ ۷۰ و اوایل دههٔ ۸۰ دیده نمی‌شد. سر خوردگی و پژمردگی سیاسی در بین دانشجویان آشکار بود. این سر خوردگی خود را در میزان حضور دانشجویان در سالن مناظره نشان داده بود. جمعیتی بین ۴۰ تا ۵۰ نفر در سالن جمع آمده بودند که عمدتاً اعضای تشکل‌های متنوع و همسوی اصولگرا در دانشگاه بودند. ظاهراً در هر دانشگاهی چندین تشکل با اسامی و عناوین مختلف اما همگی با خط‌مشی اصولگرایی فعالیت می‌کنند، اما تشکل‌های غیرهمسو، یا به یک یا دو مورد محدود می‌شوند و یا اصلاً وجود ندارند.

در ابتدای مناظره با آقای خضریان، با اشاره به جمعیت سالن، موضوع سیاست‌زدایی از دانشگاه‌ها و سرخوردگی سیاسی دانشجویان را مطرح کردم، اما آقای خضریان با نشان دادن عکسی از سخنرانی علی افشاری در دههٔ ۸۰ در یکی از سال‌های دانشگاه پلی‌تکنیک که شمار معدودی مستمع در آن حضور داشت، مدعی شد که در همان دورهٔ اصلاحات نیز وضع بر همین منوال بوده و چیزی از این جهت تغییر نکرده است!

واقعیت اما این است که خیلی چیزها از آن تاریخ تاکنون تغییر کرده است. در دوران اصلاحات با آنکه دانشجویان نسبت به اصلاح

گفت‌وگو

معاون خدمات شهری و محیط زیست شهرداری تهران:

امیدواریم عبور از قانون در شهرداری کمتر شود



پریسا هاشمی

گزارشگر هم‌میهن

ممنوعیت حضور اتباع در ۱۶ استان کشور منتشر شد و احمد وحیدی، وزیر کشور در ۱۵ آذر در واکنش به این موضوع گفت: «از قبل هم همینطور بوده است. در بعضی از نقاط از قبل هم همینطور بوده و برخی مناطق مشخص شده که در آنجا اتباع حضور پیدا نکنند و این موضوع نیز در ادامه همین مسئله است وموضوع جدیدی قلمداد نمی‌شود.» از سوی دیگر اتباع از حضور در برخی فعالیت‌هانیز منع شده‌اند. یکی از فعالیت‌ها در شهرداری است اما پیمانکاران شهرداری نهنتها اتباع بلکه کودکان را به کار می‌گیرند. در دوره چهارم مدیریت شهری رحمت‌الله حافظی، عضو شورای شهر تهران اعلام کرد، از طرف مافیای پسماند تهدید شده است. در دوره پنجم مدیریت شهری نیز از وجود این مافیا خبر دادند اما در این دوره مدیریت شهری-دوره ششم-کسی از این موضوع صحبتی نمی‌کند. حسین نظری، معاون خدمات شهری و محیط زیست شهرداری تهران در نشست خبری خود در پاسخ به خبرنگار هم‌میهن که از وجود مافیای پرسید، اعلام کرد: «دوست ندارم درباره مافیای صحبت کنم.» او درباره به‌کارگیری کودکان و اتباع توسط پیمانکاران شهرداری در گفت‌وگوی اختصاصی با هم‌میهن توضیحاتی ارائه کرده که در ادامه می‌آید:

«**ممنوعیت به‌کارگیری اتباع دوباره مطرح شده است. چرا شهرداری آنها را به‌کار می‌گیرد؟**

ماتبع قانون و مقررات کشوری هستیم. هر قانونی که به‌ما ابلاغ شود ما آن را ساری و جاری و ابلاغ می‌کنیم. پیمانکاران شهرداری هم باید به آن عمل

امور از بالا اظهار ناامیدی می‌کردند، اما خالی از شور و نشاط نبودند و به‌خصوص نسبت به‌پدید آمدن فرصت‌های تازه‌ای برای تحول مثبت در کشور امیدواری داشتند. امروز اما گویی نه‌فقط امید به بهبود اوضاع رنگ باخته است، بلکه حس و حالی هم برای هر گونه عمل معطوف به اصلاح شرایط دیده نمی‌شود.

جوانان تحصیل کرده و یا صاحب تخصص، دسته‌دسته از کشور مهاجرت و یا به تعبیری فرار می‌کنند. جامعهٔ ایرانی در حال خالی شدن از استعدادها و سرمایه‌های انسانی خود است. گمان می‌کردم این نکته را لااقل نمایندگان مجلس کنونی لمس کرده و درصدد چاره‌اندیشی برای آن باشند. از همین رو، این موضوع را در جریان مناظره چندین بار مطرح کردم.

آقای خضریان اما تمام مشکلات کشور را به دولت حسن روحانی نسبت داد. با تأکید من بر اینکه به فرض، تمام مشکلات زیر سر دولت آقای روحانی باشد، الان حاکمیت یکدست اصولگرایان برای این حجم از مشکل مثل آلودگی فزاینده هوا، نابودی منابع آب زیرزمینی کشور، فرونشست دشت‌ها، مهاجرت بی‌امان تحصیل کردگان، گرانی کمرشکن، فقر و بینوایی شهروندان… چه برنامه‌ای دارد؟ پاسخ خضریان مرتب گریز به گذشته و پیش کشیدن کارنامه و رفتار دولت‌های قبلی و کنش سیاسی شخصی من بود.

به نظر رسید که اصولگرایان وضع کشور را به شوخی گرفته‌اند.

حتی نارضایتی گستردهٔ مردم هم تأثیری بر افکار و رفتار آنها نگذاشته

است. وضع راهمانگونه که دوست دارند، توصیف می‌کنند.

خلاصهٔ کلام من این بود که مردم بی‌اعتماد و سرخورده و عمیقاً ناراضی‌اند. بدون جلب اعتماد و رضایت آنان، نمی‌توان هیچ مشکلی را حل کرد و مشکلات به صورت تصاعدی در حال انباشت است. انباشت مشکلات امری فاجعه‌آفرین است وجامعه رامستعدپذیرش فاشیسمی

بی‌رحم ومدعی کارآمدی ومیانبر کردن مسیر پیشرفت می‌کند.

اگر انقلاب برای کشور بسیار هزینه‌راست و از طرفی راهکار دوگانگی در حاکمیت نیز به در بسته خورده و امکان گشودن هیچ قفل محکمی با کلید آن نیست، تنها راه باقی‌مانده، حرکت حکومت یکدست اصولگرایان به سمت تجدیدنظر در دگم‌های سیاسی و ایدئولوژیک خود و باز کردن راه آشتی‌جویی با ملت و پذیرش نکتُر سبک زندگی آنان با تمام لوازم آن است. اگر این راه هم مسدود باشد، دیگر مسئولیتِ پیامدهای بی‌نهایت مخاطر آمیز آن به دوش کسانی است که منافع و عقاید شخصی خود را به قیمت ویرانی کشور دنبال می‌کنند.

تیتریک

HEADLINE ONE

هک بنزینی

گروه خبر: برای بار دوم عرضه سوخت از زمان روی کار آمدن دولت سبیزدهم دچار مشکل شد، بار اول آبان‌ماه ۱۴۰۰ و بار دوم آذرماه ۰۱۴۰۲. این بار نیز علت اختلال در جایگاه‌های سوخت‌رسانی کشور اعلام شد؛ یعنی همان هک شدن جایگاه‌های سوخت. این بار نیز همان صحبت‌ها و اقدامات تکراری، این بار نیز همان سناریوهای رسانه‌ای تکراری از سوی رسانه‌های همسو با دولت با عنوانی طرح‌ریزی برای ایجاد آشوب. اما داستان اصلی چیز دیگری است؛ بی‌تدبیری و بی‌توجهی مسئولان به وظایف ذاتی‌شان. آن روزها وزیر وعده داد که زیرساخت‌های سایبری و امنیتی سوخت کشور را تقویت کند اما حال با گذشت دو سال یک حمله سایبری دیگری اثبات کرد که وعده‌ها محقق نشده است زیرا بر احرای امنیت سایبری سامانه سوخت هک شده است. بار دیگر این مردم بودند که همراه بودند و باتمام کاستی‌ها در صف‌های طولانی ایستادند اما سوال اصلی اینجاست که مسئولان چه‌زمانی می‌خواهند به وعده‌هایشان عمل کنند؟ آن هم در روزهایی که فسادهای میلیارد دلاری دولت مردمی هر روز یکی بعد از دیگری افشا می‌شود.

ساعت ۹ صبح روز گذشته سیستم جایگاه‌های سوخت مختل شدند

و

و

و

و

مسئولان زیر ساخت‌های دیجیتال را لاچگری می‌دانند

حسین اسلامی، رئیس هیئت‌مدیره سازمان نظام صنفی رایانه‌ای از اینکه وزارت نفت مجدداً آزر جایی ضربه خورده است که پیش از این ضربه خورده، گلایه مند است. آنگونه که او می‌گوید، پیشنهادهایی برای افزایش امنیت سایبری جایگاه‌های سوخت بیان و مطرح شده است اما همه آنها تاکنون ایترمانده است.

«**روز گذشته دوباره شاهد هک شدن سامانه سوخت بودیم، چرا این اتفاق رخ داد؟**

معتمد اتفاق می‌که در خصوص سوخت روز گذشته رخ داده، همان است که دو سال گذشته اتفاق افتاد. جایگاه‌های سوخت از امنیت لازم بر خوردار نبوده‌اند که این موضوع نشان می‌دهد از تجربیات بخش خصوصی و سایر مراکز استفاده نکرده‌اند. ما به صورت مداوم و به شکل‌های مختلف

و

و

مردم عادت کرده‌اند

▼ **مقصد اول پمپ بنزین فر دوسی ساعت ۱۶:۳۰ دقیقه**

جایگاه سوخت فعال است، صف خودرو کمی شلوغ است و صف موتور بسیار شلوغ‌تر. فضای اطراف آرام است خودروها به آرامی وارد جایگاه می‌شوند و آزاد بنزین می‌زنند و خارج می‌شوند. در این میان تعدادی افراد هم بطری به دست دیده می‌شوند که بطری‌های آب کوچک و بزرگ در دست‌شان و مشغول پر کردن بنزین هستندو جایگاه‌داران برعکس روزه‌های دیگر بسیار با آنها ماماشات می‌کنند. به‌سراغ یکی از جایگاه‌داران می‌روم. اول قصد صحبت ندارم. می‌گویم، بازرس هستید؟ کو کارت؟ می‌گویم روزنامه‌نگارم. می‌گویم چه می‌خواهی بیوس کار دارم. از او می‌خواهم اطلاعاتی درباره وضعیت جایگاه بدهد که از چه زمانی قطع و وصل شد؟ می‌گوید: «ساعت ۹ صبح هیچ سیستمی دیگر کار نکرده، بنابراین سروسپی به‌مراجعه کنندگان ارائه‌نکردیم. هر فردی که آمد گفتیم خراب است و راحت پذیرفت و رفت. یک ساعت بعد به ما اعلام کردند که بدون

و

و

تقلب یا تخلف؟

نگاهی به استعفای رئیس سازمان سنجش کشور به دنبال رای دیوان عدالت اداری

گروه خبر: روز گذشته خبری مبنی بر استعفای رئیس سازمان سنجش کشور در اعتراض به بازگشت به تحصیل افراد مشکوک به تخلف در کنکور منتشر شد. در این نامه عبدالرسول پورعباس خطاب‌به‌وزیر علوم، تحقیقات و فناوری نوشته است: «حدود دو سال از خدمت در سازمان سنجش آموزش کشور با پدیده بازگشت متخلفان کنکور سال‌های ۱۴۰۰ و ماقبل آن مواجه بودیم که با تصویب استفسار-به‌ماده ۱۱ قانون تخلفات و جرائم آزمون‌های سراسری سال‌های ۱۴۰۱ و ۱۴۰۲ به‌طور کامل با عمل به استفسار-به پدیده تقلب مدیریت شد. ولی نظریه عطف‌به‌ما سبق نشدن استفسار-به در موارد مختومه، با برداشت‌های متفاوت روبه‌رو شد و اعتقاد دیوان عدالت اداری به برگشت همه‌مشکوکین به تقلب است که قبلاً در هیئت‌های بدوی و تجدیدنظر مستقر در سازمان و شعبات بدوی و تجدید دیوان به‌طور قطعی محکوم شده‌اند که در مصاحبه مطبوعاتی رئیس محترم دیوان بر این موضوع تأکید شد.»

در ادامه این نامه آمده است: «هم اکنون تعداد زیادی دستور موقت مبنی بر برگشت به تحصیل این افراد صادر شده است. از آنجا که عمل به احکام دیوان

لازم و ضروری است و از سوی دیگر سازمان سنجش عملاً توانایی اجرای این

حجم از برگشت به تحصیل متقلبان را ندارد، تصمیم به کناره‌گیری از ریاست

سازمان گرفتم تا شرایط برای فرد دیگر جهت اجرای احکام صادر شده فراهم

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

گزارش یک

نگاه کارشناسی

گزارش میدانی

گزارش دو

شود. لذا از ساعت ۱۱ صبح تاریخ ۲۷/۹/۱۴۰۲ تمام مسئولیت‌های سازمان را واگذار کرده و هیچ‌گونه مسئولیتی را در قبال آن به عهده نمی‌گیرم.»

▼ ماجرا چه بود؟

براساس رویه جاری در سازمان سنجش آموزش کشور که از سال ۱۳۸۵ تا سال ۱۴۰۰ اعمال می‌شد، شهر یورماه هر سال به آن دسته از داوطلبان کنکور که صحت آزمون آنها دارای شبهه بود، اعلام وضعیت می‌شد. این افراد باید دوباره آزمون می‌دادند و در صورت کسب حدنصاب در آزمون اخیر می‌توانستند به تحصیل خود ادامه دهند. این افراد البته تا زمان برگزاری آزمون مجدد و رفع شبهه می‌توانستند همچنان دانشجو باشند. ماجرای رخداد‌های اخیر از آنجا شروع شد که تعدادی از داوطلبان شبهه‌دار آزمون‌های ۱۳۹۸، ۱۳۹۹ و ۱۴۰۰ پس از عدم کسب حد نصاب در آزمون‌های مجدد و محکومیت مبنی بر ابطال نتیجه آزمون اصلی به کمیسیون اصل ۹۰ مجلس شکایت کردند که در نهایت این شکایت در مهرماه ۱۴۰۱ به ابلاغ و لازم‌الاجرا شدن استفسار-به ماده ۱۱ قانون رسیدگی به تخلفات آزمون سراسری منجر شد.

ماده ۱۱ قانون رسیدگی به تخلفات آزمون سراسری مقرر می‌کند: «چنانچه با بررسی‌های فنی و علمی، بین نمرات و رتبه آکنسابی داوطلبی و سوابق